

## بررسی تحلیلی پدیده نژادپرستی سایبری و نقش رسانه های اجتماعی

علی سیوف جهرمی<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد، انیمیشن، دانشگاه تربیت مدرس تهران

ایرانمهر سلیمی

کارشناسی ارشد، انیمیشن، دانشگاه تربیت مدرس تهران

### چکیده

همزمان با پیشرفت ارتباطات دیجیتال، افزایش رفتارهایی که مصادیق نژادپرستی سایبری تلقی می شوند، چالش های بزرگی را پیش روی جوامع جهانی قرار داده است. در این پژوهش، پیچیدگی شبکه های نژادپرستانه سایبری مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه به جزئیات متنوع اینگونه رفتارها پرداخته شده و به نقش کلیدی سکوی های رسانه های اجتماعی در ایجاد و ترویج ایدئولوژی های تبعیض آمیز نژادی توجه شده است. در این بررسی نه تنها به مکانیزم های گسترش احساسات نژادپرستانه پرداخته شده است، بلکه راه حل های احتمالی برای مقابله با این روند نگران کننده نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی پدیده چندوجهی نژادپرستی سایبری و نقش فعال رسانه های اجتماعی در گسترش آن پرداخته است. این تحلیل بر اساس دیدگاه های پژوهشگران مختلف ایرانی و غیر ایرانی گردآوری شده و نویسندگان تلاش نموده اند تا تصویر دقیق و درستی از پیچیدگی های سخنان نفرت آمیز آنلاین که بر پایه تعصبات نژادی هستند ارائه نمایند. همچنین از رویکردهای روانشناسانه و جامعه شناسانه برای درک انگیزه ها و رفتارهای افراد در فضای مجازی استفاده شده است. در این پژوهش با طبقه بندی علل، تهدیدها و راهکارهای مقابله با پدیده ی نفرت پراکنی در فضای مجازی، که ریشه در تعصبات نژادی دارند، اهمیت روزافزون جلوگیری از این گونه نفرت پراکنی ها خصوصا در کشور های چند قومیتی نظیر ایران بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** نژادپرستی سایبری، رسانه های اجتماعی، نفرت پراکنی، شبکه های اجتماعی

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: ali.siuf.j@gmail.com

در عصری که ارتباطات دیجیتال بر آن حاکم شده است، ظهور نژادپرستی سایبری، چالشی اساسی بر سر راه جوامع بین‌المللی ایجاد کرده است. این مقاله ماهیت پیچیده نژادپرستی سایبری را مورد مطالعه قرار می‌دهد و بر نقش محوری زیرساخت‌های رسانه‌های اجتماعی در تداوم بخشیدن به روایت‌های تبعیض‌آمیز تأکید می‌کند. از آنجایی که فضاهاى آنلاین به طور فزاینده‌ای در شکل‌دهی بر گفتمان عمومی تأثیر می‌گذارند، باز کردن رشته‌ی پیچیده سخنان نفرت‌آمیز آنلاین و تشخیص استراتژی‌های مؤثر برای کاهش تأثیر آن‌ها بسیار مهم می‌نماید. هدف این تحلیل که با استفاده از بینش پژوهشگران پیشین و با بهره‌گرفتن از نقطه نظر‌های مختلف انجام شده است، ارائه درک جامعی از پویایی و پیچیدگی موجود در مقوله‌ی مخاطره‌آمیز نژادپرستی در فضای مجازی می‌باشد. بررسی‌هایی که در این زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد که افراد در فضای مجازی علاقه مند به بیان آزادانه نظرات و احساسات خود هستند، اما متأسفانه همین امر سبب شده است که این فضاها همچنین برای گسترش ایدئولوژی‌های نژادپرستانه به کار گرفته شوند. دسترسی آسان و بدون نیاز به گذراندن آموزش‌های اولیه، بعضاً باعث شده است که افراد صرفاً بر پایه‌ی احساسات لحظه‌ای و یا قرارگرفتن در کانون‌های نژادپرستانه، نادانسته دست به رفتارهای تبعیض‌آمیزی بزنند که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. در نهایت، بدیهیست که تضمین حقوق افراد در فضای دیجیتال و ایجاد مکانیزم‌های قانونی برای پیگیری و مقابله با اقدامات نژادپرستانه آنلاین نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تسهیل در دسترسی به مسیرهای حقوقی و اعمال عواقب قانونی برای افراد تخلف‌کننده می‌تواند ترسیم مرزهای قانونی برای فعالیت‌های نژادپرستی سایبری در آینده باشد.

در این پژوهش، مسئله بحرانی و جهانی نژادپرستی به عنوان یک چالش اساسی مطرح شده است. پژوهشگران پیشین، از جمله ون دایک (Van Dijk, 2000) و فوکس (Fuchs, 2017)، در زمینه نقش رسانه و شبکه‌های اجتماعی بر نژادپرستی تحقیقاتی انجام داده‌اند و این مطالعات به عنوان مبانی مهم برای تحقیق جاری محسوب می‌شوند. بی‌تردید، مطالعه‌ی این پژوهش‌ها در ایجاد چارچوب مفهومی و روش تحقیقاتی منسجم برای پژوهش حاضر از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بحران ناشی از انتخابات ۲۰۱۶ در آمریکا و پیروزی دونالد ترامپ، به عنوان یکی از مهمترین وقایع تاریخی، تأثیرات عمیقی روی موضوع نژادپرستی در فضای مجازی گذاشت. این نژادپرستی‌آنطور که جاکوبوویکز اشاره می‌کند کمی بعدتر مسیر درازی را بین چند قاره پیمود تا خود را به استرالیا نیز صادر کند. این اتفاق مهم بعدتر باعث تشکیل گروه‌های راست افراطی سایبری در این کشورها شد و در نهایت از فضای مجازی خارج شد و عرصه را بر زندگی واقعی رنگین‌پوستان این کشورها بسیار تنگ نمود. مقاله کارپف با تأکید بر سیاست‌های دیجیتال اتخاذ شده در ایالات متحده آمریکا پس از انتخاب ترامپ، تأثیرات آن بر روابط بین‌المللی را مورد ارزیابی قرار داده است (Karpf, 2017). این تحلیل در زمان خود پیش‌بینی‌های دقیقی ارائه نمود و یکی از منابع اصلی برای مطالعه حاضر بوده است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی تأثیرات روانشناختی نژادپرستی در افراد، تطابق آن با امکانات فراهم شده توسط شبکه‌های مجازی، شناسایی کاتالیزورهای نژادپرستی سایبری، و بررسی تهدیدات این پدیده، به دنبال ارائه راهکارهایی برای مقابله با این مسئله مهم است. این پژوهش با تلفیق دیدگاه‌های مختلف و بهره‌گیری از تازه‌ترین داده‌ها و دیدگاه‌ها، تلاش می‌کند تا به پاسخ‌های شفاف و کارآمد در این زمینه دست یابد و در پی کنترل و کاهش تأثیرات نژادپرستی سایبری باشد. در نهایت، این پژوهش به نقد و بررسی موارد متعددی از جمله آزادی بیان در شبکه‌های مجازی، ارتباط مذهب با نژادپرستی، و ریشه‌های روانشناختی این پدیده می‌پردازد. به دلیل پیچیدگی و چالش‌هایی که این مسائل ایجاد می‌کنند، پژوهش حاضر نقدهای جدی به دستاوردهای پژوهش‌های گذشته مطرح می‌کند و تا حد امکان به دنبال ارائه راهکارهایی جدید و مؤثرتر می‌باشد.

### مبانی تحقیق

تحقیق حاضر به بررسی مقوله ی نژادپرستی سایبری، با تأکید بر نقش برجسته سکوها‌های رسانه‌های اجتماعی در انتشار و ترویج ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز، پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده است تا توجه خوانندگان به پیچیدگی‌ها و چالش‌های نژادپرستی آنلاین معطوف شود. همچنین در ادامه، رابطه ی افزایش برتری طلبی‌های نژادی با پیشرفت سریع ارتباطات دیجیتال، هدف بررسی قرار گرفته است. با ترکیب دیدگاه‌های متنوع پژوهشگران بین‌المللی، این تحلیل تلاش دارد تا درکی جامع از پویایی و پیچیدگی امر نژادپرستی در فضای مجازی ارائه دهد. این پژوهش، بر پایه نتایج تازه‌ترین تحقیقات و دیدگاه‌های محققان معتبر داخلی و خارجی، به دقت و دشواری به اهمیت پیشگیری و اقدام متقابل علیه چنین رفتارهایی در کشورهای چند نژادی و چند قومیتی نظیر ایران پرداخته است. در این مطالعه، به تفصیل به ارزیابی خطرات بالقوه این مسیر پرداخته شده و نگرانی‌های مربوط به تمامیت عرضی جمهوری اسلامی ایران در آینده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نویسندگان با بررسی دقیق و عمیق، سعی در ارائه راهکارهای مؤثر جهت کاهش تأثیرات این پدیده و تقویت مقاومت در برابر آن دارند. در نهایت، این تحقیق نه تنها به توسعه دیدگاه‌ها و دانش ما در زمینه نژادپرستی در دنیای مجازی کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی نیز در شناخت چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با این پدیده در جوامع چندفرهنگی و چندقومیتی ایفا می‌کند.

### روش تحقیق

در این پژوهش، به منظور بررسی چندجانبه ی پدیده ی نژادپرستی سایبری و نقش فعال رسانه‌های اجتماعی، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در همین راستا، اطلاعات و داده‌های مرتبط با پدیده نژادپرستی آنلاین از منابع علمی معتبر داخلی و خارجی جمع‌آوری شدند. مقالات تحقیقاتی، کتب، و منابع علمی دیگر به منظور به دست آوردن دیدگاه‌های متنوع از موضوع، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به منظور رسیدن به دیدی وسیع تر و جامع تر، تلاش شد تا از دیدگاه‌های مختلف پژوهشگران جهان برای تجزیه و تحلیل پیچیدگی‌ها و عوامل مؤثر در گسترش نژادپرستی سایبری استفاده شود. همچنین، از رویکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناسانه به منظور درک عمیق‌تر محرک‌ها و رفتارهای افراد در فضای مجازی مدد گرفته شده است. با تحلیل این داده‌ها و ترکیب دیدگاه‌های مختلف، این پژوهش سعی دارد تا به نتایج معنادار و پیشنهادی کاربردی به منظور مقابله با مقوله ی تهدیدآمیز نژادپرستی سایبری بپردازد.

تحقیق حاضر به سه گام اصلی تقسیم شده است، که در هر گام به جنبه‌های گوناگونی از پدیده نژادپرستی سایبری پرداخته شده است. در گام نخست، ابتدا به بررسی عوامل مؤثر و کاتالیزورهای نژادپرستی پرداخته شده است. با تحلیل چگونگی شکل‌گیری و گسترش نژادپرستی سایبری، این بخش تمرکز دارد تا بازنگری جدیدی پیرامون علل و انگیزه‌های افراد در فضای مجازی ارائه دهد.

در گام دوم این تحقیق به بررسی خطرات و ریسک‌های مرتبط با رفتارهای تبعیض‌آمیز سایبری پرداخته شده است. با ارائه ی تحلیلی جامع از ابعاد منطقه‌ای و جهانی این پدیده، اهمیت اقدامات جهانی در مقابله با نژادپرستی آنلاین برجسته شده است. در نهایت در گام سوم نویسندگان تلاش نموده‌اند تا با بهره‌گیری از جدیدترین الگوهای روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به تحلیل دقیق زیرساخت‌های فضای مجازی موجود بپردازد. هدف این بخش ارائه راهکارهای کارآمد و انطباق با نیازهای فرهنگی و اجتماعی مخاطبان در جلوگیری از رفتارهای نژادپرستانه در دنیای دیجیتال بوده است.

## علل و کاتالیزورهای نژادپرستی سایبری

سکوهای رسانه‌های اجتماعی با فراهم کردن فضایی برای انتشار ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز، نقش مهمی در شکل دهی برداشت‌های نژادپرستانه ایفا می‌کنند. الگوریتم‌های به کار گرفته شده توسط این سکوها به شکل‌گیری اثراتاق‌های پژواک، تشدید و تقویت باورهای موجود کمک می‌کنند. ماهیت بهم پیوسته شبکه‌های اجتماعی، گسترش بی‌وقفه گفتمان‌های نژادپرستانه را تسهیل می‌کند و بر ادراک و نگرش افراد تأثیر می‌گذارد.

تحقیقات کارمیلا و بودیمانسیاه در مورد نژادپرستی در رسانه‌های اجتماعی دو یافته کلیدی را فاش کرده است. اولاً، حوادث نژادپرستی در سراسر سکوه‌های دیجیتال متنوع از جمله فیس‌بوک، اینستاگرام، توییتر، تیک تاک و یوتیوب گسترده است. ثانیاً، نژادپرستی دیجیتال از طریق اشکال مختلف محتوای دیجیتال، شامل نوشته‌ها، میم‌ها، ویدیوها و عبارات مستقیم در برنامه‌های چت زنده، ابراز می‌شوند (Karmila and Budimansyah, 2022).

کاوش اکمن در مورد اجرای سیاست‌های شدید مهاجرتی، موجی از احساسات نژادپرستانه را نمایان می‌سازد که توسط پوپولیست‌های راست افراطی و بازیگران سیاسی ملی‌گرا، خصوصاً پس از بحران پناهجویان در اروپا در سال ۲۰۱۵ هدایت می‌شدند (Ekman, 2019). سیاست‌های خشن تر و غیر لیبرال تر در مورد مهاجران و پناهندگان، به ویژه پس از بحران پناهجویان در سال ۲۰۱۵، به بستری برای پرورش ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز در فضای مجازی این کشورها تبدیل شده است. اکمن به طور متقاعدکننده ای استدلال می‌کند که این احساسات خودبخودی نیستند، بلکه توسط استراتژی‌های از پیش تعیین شده ای که توسط پوپولیست‌های راست افراطی و بازیگران سیاسی ناسیونالیست در غرب به کار گرفته شده اند، قدرت می‌گیرند.

جاکوبوویکز روانشناسی پشت نژادپرستی آنلاین را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر ویژگی‌های سه‌گانه تاریک یا تتراد مرتبط با ترول‌های وب تأکید می‌کند: خودشیفتگی، ماکیاولیسم، روان‌پریشی (Jakubowicz, 2017). وی سپس به بررسی ابعاد این ویژگی‌های روانی با امکانات فضای مجازی نظیر امکان گمنامی، عدم مشارکت، و عدم بازدارندگی می‌پردازد. او معتقد است این ویژگی‌های روانی موجود در افراد متمایل به رویکردهای نژادپرستانه، به واسطه ی بستری که فضای مجازی برای این افراد محیا می‌کند تقویت و تشدید می‌شوند. کاوش جاکوبوویکز از ویژگی‌های روان‌شناختی مرتبط با سخنان نفرت‌انگیز آنلاین، درک دقیق تری از انگیزه‌های افراد درگیر در رفتارهای تبعیض‌آمیز ارائه می‌دهد. تعامل بین روانشناسی و فناوری به لنز بسیار مهمی تبدیل می‌شود که از طریق آن می‌توان پیچیدگی‌های نژادپرستی آنلاین را بهتر درک کرد.

همانطور که محققان به کشف پویایی نژادپرستی سایبری ادامه می‌دهند، برخی از کاتالیزورهای پذیرفته شده به طور گسترده شامل تأثیر الگوریتم‌ها و اتاق‌های پژواک، امکان ناشناس بودن آنلاین، آزادی بدون محدودیت و کنترل، و نقش درهم تنیده سیاست و تحریکات سیستماتیک برخی دولت‌هاست. لازم به ذکر است که درک صحیح این کاتالیزورها در توسعه استراتژی‌های جامع به منظور مقابله با موضوع فراگیر نژادپرستی آنلاین در عصر دیجیتال ضروری می‌نماید.

سکوه‌های رسانه‌های اجتماعی این پتانسیل را دارند که قرار گرفتن در معرض طیف وسیعی از دیدگاه‌ها را برای کاربرانشان محدود کنند. این امر باعث توسعه دسته‌هایی از کاربران با باورهای مشابه می‌شود که یک باور واحد و مشترک جمعی را می‌سازند و دنبال می‌کنند. این پدیده اثراتاق‌های پژواک نامیده می‌شود، اتاق بسته ای که کاربر صرفاً می‌تواند صدای خود یا

<sup>2</sup> Echo Chambers

<sup>3</sup> Comments

<sup>4</sup> Memes

<sup>5</sup> Videos

<sup>6</sup> Dark Triad

<sup>7</sup> Anonymity

<sup>8</sup> Disengagement

<sup>9</sup> Disinhibition

هم باوران خودش را بشنود. با این وجود، روش‌های تعامل کاربران و الگوریتم‌های حاکم بر توزیع محتوا در سکوه‌های مختلف اجتماعی به طور قابل توجهی متفاوت است (Cinelli et al, 2021). الگوریتم‌های حاکم بر توزیع محتوا در سکوه‌های رسانه‌های اجتماعی به شکل‌گیری اتاق‌های پژواک کمک می‌کنند، جایی که کاربران در معرض اطلاعاتی قرار می‌گیرند که با باورهای موجود آنها همخوانی مطلق دارد. فارکاس و همکاران (Farkas et al, 2018) نشان می‌دهند که چگونه سکوه‌های تجاری با ترویج گفتمان بیگانه‌هراسی و نژادپرستانه آنلاین، نگرش‌های متضاد نسبت به مهاجران را تشکیل می‌دهند. نقش الگوریتم‌ها در ایجاد و تقویت محتوای تبعیض آمیز در اتاق‌های پژواک، نگرانی‌هایی را در مورد پتانسیل رادیکال‌سازی و قطبی‌سازی بیشتر در میان جوامع مختلف ایجاد می‌کند.

ناشناس بودن آنلاین به عنوان یک عامل کلیدی در گسترش نژادپرستی سایبری قلمداد می‌شود. کیوم و میلر استدلال می‌کنند که ناشناس بودن آنلاین به افراد احساس نامرئی بودن و اعتماد به نفس می‌دهد، و آنها را قادر می‌سازد تا رفتاری کاملاً متفاوت نسبت به محیط‌های غیر ناشناس داشته باشند (Keum and Miller, 2018). این یک خطر قابل توجه است، زیرا افراد ممکن است افکار یا اظهاراتی را به صورت آنلاین بیان کنند که در دنیای آفلاین در بیان آنها تردید دارند. این تغییر رفتار پتانسیل این را دارد که به تدریج بر باورهای افراد در دنیای واقعی نیز تأثیر گذارد. به ویژه افراد جوان تر جامعه بسیار بیشتر مستعد تأثیر پذیری از این گونه بسترها هستند. ناشناس بودن ارائه شده توسط سکوهایی مانند 4Chan's به کاربران اجازه می‌دهد تا ایده‌های خود را بدون افشای هویت خود پست کنند، و محیطی را ایجاد می‌کند که میم‌های تهاجمی و ایدئولوژی‌های نژادپرستانه به راحتی می‌توانند رشد کنند. کاوش جاکوبوویکز در مورد ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با تروپ‌های وب، از جمله خودشیفتگی، ماکیاولیسم، روان‌پریشی، بر ابعاد روان‌شناختی گمنامی تأکید مستقیم می‌کند (Jakubowicz, 2017). امکان مشارکت در سخنان تنفرآمیز بدون در بر داشتن هرگونه مسئولیت و یا پاسخگویی، چالش‌هایی اساسی را در مهار گسترش ایدئولوژی‌های تبعیض آمیز ایجاد می‌کند.

ایدئولوژی حاکم بر اینترنت که با دلبستگی به آزادی بدون محدودیت مزه دار شده است، چالش‌هایی را در تنظیم محتوای آنلاین ایجاد می‌کند. در حقیقت، مناقشه موجود پیرامون آزادی بیان، همراه با کنترل عبارات نژادپرستانه و نفرت انگیز در رسانه‌های اجتماعی، موضوع بسیار پیچیده‌ای است. به عنوان مثال، جاکوبوویکز بر تعهد ایالات متحده به آزادی بیان بدون هرگونه محدودیت، که در واقع به نوبه‌ی خود نوعی کمک به ایجاد محیطی است که در آن ایدئولوژی‌های نژادپرستانه می‌توانند شکوفا شوند، تأکید می‌کند (Jakubowicz, 2017). تنش بین میل به آزادی و نیاز به محدودیت‌ها به یک موضوع اصلی در پرداختن به نژادپرستی آنلاین تبدیل شده است. بررسی اقتصاد سیاسی اینترنت که توسط کلاین انجام شده بر چالش‌های ایجاد تعادل میان آزادی اینترنت و اعمال کنترل‌های لازم برای کاهش ترویج سخنان نفرت آمیز تأکید می‌کند (Klein, 2017).

طبق گفته بلیچ در کتاب خود، محدودیت‌های آزادی اگر صرفاً عبارات نژادپرستانه‌ای را هدف قرار دهند که خشونت را در میان افراد و جوامع تحریک می‌کنند و یا نفرت شدید را پرورش می‌دهند، قابل توجیه تلقی می‌شوند. با این حال، او مخالف قوانینی است که اشکال نژادپرستی را که صرفاً توهین آمیز هستند مجازات می‌کند. او معتقد است این گونه ابراز عقاید که برای جامعه ایجاد خطر نمی‌کنند باید آزادانه بیان شوند هر چند برای عده‌ای از افراد توهین آمیز به نظر رسند. اساساً، بلیچ بدین ترتیب مرز قابل تشخیصی را میان آزادی و اعمال نژادپرستانه نفرت انگیز ترسیم می‌کند (Bleich, 2011)، مفهومی که می‌تواند برای ارتباطات در سکوه‌های رسانه‌های اجتماعی به عنوان الگویی قابل قبول به کار گرفته شود.

درهم تنیدگی سیاست و نفرت پراکنی آنلاین از طریق تحریکات سیستماتیک برخی دولت‌ها ایجاد می‌شود. رسانه‌های دیجیتال به عنوان ابزاری در دست سیاستمداران به منظور دستکاری افکار عمومی عمل می‌کنند و اغلب ایدئولوژی‌هایی را ترویج می‌کنند که ممکن است ایده‌های نژادپرستانه و مخربی را در خود جای دهند. اساساً رسانه‌های گروهی در خدمت

ایدئولوژی‌ها ابزار جابجایی ارزش‌ها، آرمان‌ها، هنجارها و مولفه‌های مطلوب صاحبان قدرت و ثروت هستند (رضائی‌پناه، ۱۴۰۲). به عنوان مثال همانطور که کارپف اشاره کرد، در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶، جناحی از حامیان ترامپ از الگوهای رفتاری نژادپرستانه، جنسیتی و ضدیهودی به منظور ایجاد مقبولیت استفاده کردند (Karpf, 2017). این استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط پایگاه هواداران ترامپ به ایجاد سلاح‌های خودکار و مخرب اجتماعی، و در عین حال تداوم مفاهیم تبعیض‌آمیز شدند. به عنوان نمونه می‌توان به این ایده محبوب میان این دسته از سفیدپوستان تندرو آمریکایی پرداخت که معتقدند جمعیت سفیدپوستان اصیل آمریکایی به دلیل مهاجرت‌های گسترده دیگر ملیت‌ها به آمریکا، پیوسته در حال نابودی قرار گرفته است.

کاوش فیگین در مورد چارچوب نژادی سفیدپوست حاکم بر جامعه ایالات متحده، بر ماهیت سیستمی نژادپرستی که بر زندگی روزمره افراد سفیدپوست و غیرسفیدپوست آمریکایی سایه افکنده، بیشتر تأکید می‌کند (Feigin, 2014). بررسی تحریکات سیستماتیک در کنار نقش سیاست، ماهیت چندوجهی سخنان نفرت‌آمیز آنلاین را آشکار می‌سازد، جایی که ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز نه تنها توسط افراد تداوم می‌یابند، بلکه به طور استراتژیک توسط بازیگران تأثیرگذار سیاسی نیز به کار گرفته می‌شوند.

علاوه بر این، تحلیل کارپف نقش رسانه‌های اجتماعی در کمپین‌های سیاسی را روشن می‌کند و بر تأثیر پایدار این کمپین‌ها بر شکل‌دهی گفتمان آنلاین تأکید می‌کند. مسلح‌سازی رسانه‌های اجتماعی در جریان رویدادهای سیاسی، که نمونه آن در انتخابات ۲۰۱۶ ایالات متحده بود، بر ضرورت وجود استراتژی‌های جامع برای مهار گسترش سیستماتیک ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز در حوزه دیجیتال تأکید می‌کند (Karpf, 2017).

### نقش دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی

مداخلات دولت‌ها در نژادپرستی سایبری توسط جاکوبوویکز بررسی شده است (Jakubowicz, 2017). وی خاطرنشان می‌کند که دولت‌ها اغلب مسائلی مانند سوء استفاده از کودکان را در اولویت پیگیری‌های قضایی‌شان قرار می‌دهند و فضاهای نسبتاً امنی را برای پرورش نژادپرستی آنلاین باقی می‌گذارند. نهادهای بین‌المللی آسیب‌ناشی از نژادپرستی آنلاین را تشخیص می‌دهند، اما همکاری بین دولت‌ها، جامعه مدنی و بازیگران اقتصادی با مقاومت‌ها و پیچیدگی‌هایی مواجه است. این پیچیدگی‌ها در عمل از پیشبردهای موثر و متحد بین‌المللی در مبارزه جدی علیه اقدامات نژادپرستانه آنلاین جلوگیری می‌کنند. بررسی‌های جاکوبوویکز پیامون پاسخ‌های دولتی این نکته را آشکار می‌سازد که برای مبارزه با چالش‌های چندوجهی ناشی از نژادپرستی آنلاین لازم است تلاش‌هایی هماهنگ در سطوح ملی و بین‌المللی صورت پذیرد. امروزه، بعد جهانی خطر افزایش نژادپرستی سایبری، در گسترش مستمر سخنان نفرت‌آمیز نژادپرستانه در تمامی قاره‌ها مشهود می‌باشد. جنبش **Alt-Right**، با الهام از مداخله طرفدار ترامپ برای **Breitbart**، به استرالیا گسترش یافت، جایی که گروهی

به نام "**The Dingoes**" یک استراتژی **Alt-right** را آزمایش کردند. شبکه جهانی وب که توسط تیم برنرز لی به عنوان فضایی برای آزادی پیش‌بینی شده بود، اکنون به عنوان میزبان هیولای نفرت پذیرفته شده است (Berners-Lee, 2017). دیدگاه جهانی در مورد نژادپرستی سایبری بر ماهیت به هم پیوسته سخنان نفرت‌پراکنی آنلاین تأکید می‌کند و از مرزهای جغرافیایی هم فراتر می‌رود. تأمل تیم برنرز لی در مورد پیامدهای ناخواسته شبکه جهانی وب بر نیاز به یک رویکرد جهانی به منظور پرداختن به چالش‌های ناشی از تبعیض آنلاین تأکید می‌کند.

<sup>1</sup> آن را مترادف راست‌گرایی آلت‌رناتیو که یک جنبش ناسیونالیستی سفیدپوست افراطی است، ترجمه کرده اند. **Alternative Right**

اکمن استدلال می‌کند که زیرساخت‌های فنی-اجتماعی رسانه‌های اجتماعی نژادپرستی را به روش‌های جدیدی شکل می‌دهد و به بازیگران ضد مهاجرت اجازه می‌دهد تا به تدریج نگرش‌های غیرقابل قبول قبلی را در باور عمومی جامعه عادی سازی کنند (Ekman, 2019). والستروم و تورنبرگ یک پیوند بالقوه بین احساسات راست افراطی در رسانه‌های اجتماعی و تحریک و یا تسهیل اقدامات سیاسی خشونت‌آمیز ضد مهاجر را پیشنهاد می‌کنند (Wahlström and Törnberg, 2019). تاکید اکمن بر خطر عادی سازی نگرش‌های تبعیض‌آمیز، پیامدهای بلندمدت سخنان نفرت‌آنان در جوامع را روشن می‌کند. همچنین کاوش تورنبرگ و والستروم در مورد ارتباط بین احساسات آنلاین و کنش‌های دنیای واقعی بر فوریت پرداختن به عادی سازی ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز تأکید می‌کند. بدیهی است اثر مخرب این باورها که در فضای مجازی عادی سازی می‌شوند فوراً و مستقیماً زندگی واقعی افراد واقعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

فارکاس و همکاران (Farkas et al, 2018) بر نیاز به شناخت رسانه‌های اجتماعی به عنوان سیستم‌های فنی-اجتماعی مؤثر بر روابط اجتماعی، از جمله موارد مربوط به نژاد و نژادپرستی تأکید می‌کنند. این سکوها به ابزاری قدرتمند برای بازیگران ضد مهاجر تبدیل می‌شوند تا اخبار جریان اصلی را به نفع خود اصلاح کنند و بر جنبه‌های منفی مهاجرین مانند جنایت، سوء تفاهم‌های فرهنگی و هزینه‌های اقتصادی تمرکز کنند (Ekman, 2019). بینش فارکاس بر ماهیت در حال تحول زیرساخت‌های رسانه‌های اجتماعی تأکید می‌کند که نقشی اساسی در شکل‌دهی نگرش‌های اجتماعی نسبت به نژاد و مهاجرت ایفا می‌کند. لنز اجتماعی و فنی آنها تعامل پیچیده موجود مابین فناوری و پویایی اجتماعی را روشن می‌کند. از سوی دیگر، رضائی پناه با نگاهی زیرساختی به رسانه‌های جدید، بیان می‌کند که گفتمان رسانه‌ای یک جانبه‌نگری دارد. به عقیده او گفتمان رسانه‌ای برای مخاطبان گروهی طراحی شده و هیچ شیوه‌ای وجود ندارد که تولیدکنندگان حتی بدانند مخاطبانشان دقیقاً چه کسانی هستند (۱۴۰۲) همین امر نیز به نوعی مسئولیت محتوا را از سر تولیدکنندگان آن باز می‌کند و زمینه ساز شکل‌دهی و تشدید تفکرات تنفر‌آمیز و افراطی می‌شود.

#### تهدیدات و اهمیت مبارزه با نژادپرستی در شبکه‌های اجتماعی

تهدیدهای فراگیر ناشی از نژادپرستی آنلاین بر اهمیت حیاتی مبارزه و کنترل ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز در شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌نماید. استدلال اکمن مبنی بر اینکه گفتمان‌های نژادپرستانه در رسانه‌های اجتماعی ایزوله نیستند، بلکه در اعمال افراد جامعه آشکار می‌شوند، بر نیاز به اقدامات پیشگیرانه تأکید می‌کند. گسترش نژادپرستی سایبری در سطح جهانی گسترش می‌یابد و نیاز به استراتژی‌های جامع برای مقابله با چالش‌هایی است که به وجود می‌آورد (Ekman, 2019). در بعضی موارد ممکن است ظهور نژادپرستی سایبری ریشه در تعصبات مذهبی افراد یا سایر ویژگی‌هایی داشته باشد که فرد خود را به واسطه‌ی آن‌ها تعریف می‌کند. هنگامی که چنین ویژگی‌هایی با تعصبات نژادی آمیخته باشند، بر شدت آن افزوده و سبب ایجاد تنش‌های پیچیده‌تری در میان نژاد‌های گوناگون می‌شود. همچنین نکته قابل توجه این است که این پدیده تنها به کشور‌های غربی محدود نمی‌شود و تقریباً همه کشورها را در معرض تهدید قرار داده است. به عنوان مثال، می‌توان به درگیری‌های مداوم بین قبایل و مذاهب مختلف در اندونزی اشاره نمود. این درگیری‌ها تهدید واقعی و فوری ناشی از نژادپرستی را برای وحدت ملی اندونزی به منصفه ظهور می‌رساند (Karmila & Budimansyah, 2022). از سوی دیگر می‌توان به خطر ناشی از نژادپرستی برخی یهودیان که با برتری طلبی، انحصار طلبی و داشتن عقاید انعطاف‌ناپذیری آمیخته شده (لطفی و حیدری، ۱۳۹۱) و سبب ایجاد نگرش‌های افراطی-صهیونیستی می‌شود اشاره نمود. گمان می‌رود که افزایش این دو قطبی سازی‌ها و ترویج افکار نژادی-مذهبی افراطی بر تنش‌های موجود در مناطق مختلف دامن خواهد زد. تاکید می‌شود که نژادپرستی سایبری به مناطق خاصی از جهان محدود نمی‌شود و گونه‌ای از نگرانی است که از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود. درک پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های ظریف نحوه تجلی نژادپرستی سایبری در محیط‌های فرهنگی و اجتماعی متنوع

برای توسعه استراتژی‌های مؤثر به منظور اقدام متقابل ضروری است. واضح است که پرداختن به تأثیرات نژادگرایی و نژادپرستی افراطی بر وحدت و انسجام اجتماعی کشورها، امری بسیار مهم است.

اگرچه تلاقی نژادپرستی با عقاید مذهبی ممکن است خطرات و پیچیدگی‌های زیادی به همراه داشته باشد، اما خود مولفه مذهب می‌تواند نژادها و اقوام مختلف را زیر پرچم مشترکی متحد سازد. به عبارت دیگر، عامل مذهب می‌تواند به عنوان یک نیروی اجتماعی متحدکننده عمل نماید. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین علل موفقیت و پیشرفت مسلمانان در قرن‌های گذشته اتحاد آنها بوده است برای مسلمانان قومیت‌های مهمی نداشت، آنچه مهم بود مسلمان بودن بود. کرد و فارس و ترک و لر و بلوچ و عرب و ترکمن و ... همگی در منطقه خاورمیانه و قفقاز در کنار یکدیگر با اتحاد زندگی می‌کردند (مطلبی‌جونقانی، ۱۳۸۹). ضرورت مبارزه با نژادپرستی در شبکه‌های اجتماعی به منظور حفاظت از فضاهای دیجیتال در برابر گسترش ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز بسیار حائز اهمیت می‌نماید. لارسون با بررسی پرونده‌ای از سوئد، محکومیت یک زن به دلیل سخنان مشوق عداوت و تنفر در فیسبوک را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه نفرت آنلاین می‌تواند به عواقب دنیای واقعی تبدیل شود (Larsson, 2018). احساس این زن از شست‌وشوی مغزی توسط اصطلاحات نفرت‌آمیز گروه، بر تأثیر جوامع آنلاین بر رفتار افراد تأکید می‌کند. مطالعه لارسون بر اهمیت درک مکانیسم‌های روان‌شناختی که افراد را به درگیر شدن در سخنان نفرت‌آمیز در زیرساخت‌های رسانه‌های اجتماعی سوق می‌دهد، تأکید دارد. لارسون تلاش می‌کند تا پیچیدگی‌های رفتار آنلاین را روشن تر سازد. در این عصر دیجیتالی به هم پیوسته، پرداختن به ابعاد جهانی و محلی نژادپرستی سایبری جهت تقویت و ایجاد جامعه‌ای فراگیرتر و هماهنگ‌تر ضروری است.

نکته‌ی قابل توجه اینست که گردش اطلاعات و تولید محتواهای ضد مهاجر، به شدت به نیروی کار آنلاین کاربران عادی متکی است (Fuchs, 2017). جریان یکپارچه ارتباطات در رسانه‌های اجتماعی مرز بین استراتژی‌های عمدی بازیگران راست افراطی و پاسخ‌های عاطفی کاربران روزمره را محو می‌کند (Ekman, 2019). بررسی‌های فوکس از محتوای تولید شده توسط کاربران، اطلاعات ارزشمندی را پیرامون ماهیت غیرمتمرکز تولید سخنان نفرت‌آمیز آنلاین ارائه می‌دهد. اتکا به کاربران عادی برای انتشار چنین محتواهایی بر نیاز به درک انگیزه‌ها و مکانیسم‌های پشت مشارکت افراد در گسترش ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز تأکید می‌کند.

### اهمیت مضاعف جلوگیری از نژادپرستی در کشورهای دارای تنوع نژادی

کشورهایی با تنوع نژادی بالا، مانند ایران، با چالش‌های منحصر به فردی در پیشگیری از مظاهر نژادپرستی مواجه هستند. ماهیت جهانی سخنان نفرت‌پراکنی آنلاین نیازمند رویکردهای ظریف متناسب با زمینه‌های خاص هر جامعه است. درک اهمیت حیاتی پیشگیری از نژادپرستی در کشورهای با نژادهای مختلف می‌بایست به یک جنبه کلیدی در تدوین استراتژی‌های مؤثر این کشورها تبدیل شود. بررسی مداخلات جهانی و تأثیر آن بر کشورهای دارای تنوع نژادی، نیاز به راه‌حل‌های زمینه‌ای خاص را روشن می‌کند.

اصرار ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ایجاد کریدور زنگ زور را می‌توان به عنوان یک پروژه جاری حامی پان‌ترکیسم تفسیر نمود. این طرح، با تهدیدات فراوانی در زمینه‌های اقتصادی، مرزی، ترانزیتی و امنیتی، نقش بسیار حائز اهمیتی را برای جمهوری اسلامی ایران ایفا خواهد کرد. مقامات ترکیه و جمهوری آذربایجان، در این زمینه، از اهداف ایجاد یک کریدور تورانی بزرگتر و پان‌ترکیستی یاد می‌کنند، که در نهایت به ایجاد ترکستان بزرگ خواهد انجامید و در برگیرنده سرزمین‌های ترک‌نشین شمال و شمال‌غربی ایران، به علاوه تمامی خاک جمهوری ارمنستان خواهد شد. لذا افسوس بر تبعات مخرب یاد شده باید آثار منفی امنیتی ناشی از تضادهای قومیتی و اجتماعی این پروژه برای ایران را نیز در نظر گرفت (صالحی‌یگانه، ۱۴۰۲).



گروهک پژاک اعلام می‌نماید که منطقه کردستان، واقع بین چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه، به طور غیرعادلانه‌ای تقسیم و تحت استثمار قرار گرفته است. این گروه اهداف اساسی خود را در تشکیل یک کردستان متحد، مستقل و با نظام اقتصادی سوسیالیستی معرفی می‌نماید (مطلبی‌جونقانی، ۱۳۸۹).

شادلو و روشندل در مقاله خود عوامل انتزاعی و عینی موثر در جریان پان عربیسم در ایران را به تفصیل در دو بازه زمانی قبل و بعد از انقلاب مورد بررسی قرار می‌دهند. ایشان اشاره می‌کنند که با عنایت به تئوری محرومیت نسبی، مردم عرب زبان نواحی جنوب ایران در مقایسه با مردم مرکز نشین، همچنان احساس محرومیت می‌کنند. لذا شادلو و روشندل معتقدند که ریشه‌های عمده داخلی باعث تقویت باورهای قومی عرب‌ها در این مناطق شده است و قومیت، که به عقیده ایشان ویژگی فرهنگی است، در میان عرب‌ها رنگ و لعاب سیاسی پیدا کرده است (شادلو و روشندل، ۱۳۹۸).

### تأثیر دنیای واقعی: مطالعه موردی سوئدی

اکمن در مقاله‌اش به مطالعه‌ای اشاره می‌کند که بر روی «Sufs»، یک گروه بزرگ و باز سوئدی در فیس‌بوک که تأثیر قابل توجهی بر انتشار اخبار آنلاین داشته، انجام شده است (Ekman, 2019). این گروه تا دسامبر ۲۰۱۷ بیش از ۱۷۱,۰۰۰ عضو داشته است. نویسنده اشاره می‌کند که این گروه فیس بوک به عنوان یک انجمن سوئدی ضد مهاجرت، جایگاه مهمی پیدا کرده بود. این در حالی بود که سوئد قبل از بحران پناهجویان در سال ۲۰۱۵ به عنوان یکی از مهاجرپذیرترین و مهاجردوست ترین کشورها شناخته می‌شد. نمونه‌های بررسی شده در این تحقیق شامل پست‌هایی است که بین ۳ نوامبر تا ۵ دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شده بودند. اگرچه طبق توضیحات خود این گروه، مصادیق نژادپرستی در این گروه و از سوی گردانندگان آن ممنوع است، اما نتایج تجزیه و تحلیل نظرات کاربران تکان دهنده بود. طبق آمار، مهاجرت به عنوان موضوع اصلی در ۵۴٪ از تمامی نظرات و ۳۵٪ شامل کلمه‌ی "مهاجر/ها" به عنوان موضوع اصلی نظر بوده است. این را می‌توان با دومین موضوع رایج، که «سیاستمداران» بوده است، مقایسه کرد که در ۱۶٪ از پست‌ها وجود دارد. رایج ترین مشکل پرداخته شده «جرم» (۲۷ درصد) و پس از آن «مشکلات رفاهی» (۲۲ درصد) است (Ekman, 2019). به بیان دیگر نگرانی از ارتکاب جرائم و ایجاد مشکلات رفاهی-معیشتی ناشی از بحران پناهجویان را می‌توان از اصلی ترین محرک‌های بومیان سوئدی برای پیوستن و فعالیت در این گروه نژادپرست فیسبوکی دانست.

### راهکارهای پیشنهادی

یک رویکرد جامع برای مقابله موثر با نژادپرستی سایبری، پرداختن به نقش محوری آموزش است. در بسیاری از کشورها، تعداد قابل توجهی از شهروندان بومی، اگر نه اکثریت ایشان، فاقد ارتباط منظم و مستمر با مهاجران هستند. در نتیجه، درک آن‌ها از مهاجرت، گروه‌های قومی، رویدادها و روابط عمدتاً بر پایه‌ی اطلاعاتی است که از رسانه‌های جمعی به دست می‌آورند (Van Dijk, 2000). برای مبارزه با تبعیض آنلاین، آموزش شهروندی به عنوان یک تلاش سیستماتیک به منظور پرورش شهروندان هوشمند، بسیار ضروری است. این تلاش آموزشی باید با ادغام محتوای شهروندی دیجیتال و سواد رسانه و گنجاندن آن‌ها در سرفصل برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، نیز تقویت شود (Karmila and Budimansyah, 2022). این رویکرد آموزشی کل نگر به عنوان زیرساختی برای راه حل‌های چند وجهی مورد نیاز عمل می‌کند. در جهان امروز، با پیشرفت فناوری و تسریع گسترش اطلاعات، آموزش مهارت‌های سنجش روایی و پایایی اطلاعات به دانش‌آموزان اهمیت بسزایی یافته است. این مهارت‌ها نقش بسزایی در توسعه تفکر انتقادی و تشخیص اخبار جعلی ایفا می‌کنند. آموزش به دانش‌آموزان نحوه شناسایی تلاش‌های سوگیری رسانه‌ای و دستکاری اطلاعات توسط رسانه‌ها را می‌دهد. بدین ترتیب آن‌ها می‌توانند منابع را ارزیابی کرده و میان واقعیت و دیدگاه‌های شخصی تمییز قائل شوند. این مهارت‌ها به دانش‌آموزان اجازه

می‌دهند تا با دقت به اعتبار منابع پیش بروند و تصمیمات خود را در تمامی جنبه‌های زندگی با آگاهی و اطمینان بیشتری بگیرند (فلسفی، ۱۴۰۲).

جزء جدایی ناپذیر دیگر این استراتژی، نیاز به اطلاع‌رسانی به افراد در مورد پیامدهای سخنان نفرت پراکنی آنلاین و تأثیر ملموس آن بر دنیای واقعیشان است. با تشخیص فوریت برای اقدامات پیشگیرانه، ادغام برنامه‌های آموزشی با تمرکز بر تقویت سواد دیجیتال ضروری می‌شود. این طرح‌ها با تجهیز افراد به مهارت‌هایی برای تعامل انتقادی با محتوای آنلاین، به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کنند و مانع از تداوم ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز می‌شوند. همچنین پژوهش تاجی و دیبایی صابر در این زمینه (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که مؤلفه‌های آموزش سواد رسانه‌ای را می‌توان در سه مؤلفه کلی: شناخت، تفکر انتقادی و تولید پیام طبقه‌بندی نمود. از سوی دیگر، در ادغام بینش‌های ون دایک (Van Dijk, 2000) با دیدگاه‌های جدیدتر در مورد آموزش، یک استراتژی منسجم برای رسیدگی به چالش‌های پیچیده ناشی از نژادپرستی سایبری پدیدار می‌شود. چنین می‌نماید که امروزه آموزش می‌تواند به عنوان ابزاری حیاتی در مبارزه با نژادپرستی در رسانه‌های اجتماعی به ایفای نقش بپردازد. ارتقای سواد رسانه‌ای و ارائه مهارت‌هایی به افراد برای ارزیابی نقادانه‌ی محتوای آنلاین می‌تواند آنها را جهت تشخیص و رد سریع‌تر ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز توانمند و آگاه سازد. تصدیق تیم برنرزی از تأثیر منفی اینترنت بر جامعه نیز، ضرورت استفاده آگاهانه و مسئولانه از اینترنت را برجسته‌تر می‌کند (Berners-Lee, 2017).

پس از شیوع ویروس کرونا و مجازی شدن آموزش دانش‌آموزان در دور افتاده‌ترین نقاط کشور را هم وادار به استفاده از اینترنت و تلفن همراه کرده است. همین امر مجازی شدن آموزش، ضرورت استفاده و یادگیری از رسانه‌ها را هم افزایش داده است (تاجی و دیبایی صابر، ۱۴۰۲). در ادامه تاجی و دیبایی صابر بیان می‌کنند که اگر مردم به واسطه آموزش‌های رسانه‌ای، به سطح مناسبی از تفکر انتقادی دست یابند عملاً می‌توانند تهدیدهایی که فرهنگ آن جامعه را هدف قرار می‌دهند خنثی کنند. از سوی دیگر ون دایک بر لزوم نظارت منظم بر رویه‌های رسانه‌ای تأکید می‌کند و از اقدامات مختلف برای تقویت آنها نیز حمایت می‌کند. این امر با هدف کلی ایجاد یک محیط چندفرهنگی پایدار، انسانی و صلح‌آمیز در اروپا و آمریکای شمالی هماهنگ است (Van Dijk, 2000). علاوه بر این، ون دایک بر اهمیت مشارکت داوطلبانه و شخصی روزنامه‌نگاران و مؤسسات رسانه‌های جمعی در توسعه رسانه‌های چندفرهنگی نیز تأکید می‌کند. چرا که او معتقد است تحقق آرمان پذیرش صلح‌آمیز تمامی ملل و اقوام تنها زمانی میسر می‌شود که این نهاد‌های موثر فرهنگی به صورت خودجوش دغدغه‌ی ایجاد چنین محیط چندملیتی را داشته باشند و بی‌وقفه برای رسیدن به آن تلاش کنند.

در کنار این، اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌ها بر روی زیرساخت‌های اینترنتی گامی ضروری برای مهار گسترش نژادپرستی سایبری است. خط‌مشی‌های کاربری مبهم و یا اجرا نشده در این شبکه‌های مجازی و یا برون‌سپاری نظارت بر این سکوها که توسط نیکونن (Nikunen, 2018) بررسی شده، نیاز به ایجاد چارچوب‌های نظارتی قوی را برجسته می‌کند. دولت‌ها، با همکاری جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی، باید در جهت ایجاد دستورالعمل‌های واضح و قابل اجرا برای زیرساخت‌های آنلاین تلاش کنند. خوشه‌بندی الگوریتمی محتوای رسانه‌های اجتماعی، که به عنوان یک مزیت بالقوه برای بازیگران ضد مهاجرت شناسایی شده است، نیاز به ارزیابی مجدد و اعمال شیوه‌های اعتدال‌گرایانه دارد. ایجاد تعادل بین حفظ آزادی بیان و جلوگیری از سوء استفاده از فضاهاى آنلاین در اجرای کنترل‌های موثر بسیار حیاتی است. در این رویکرد جامع، همسویی اصول مورد حمایت ون دایک با استراتژی‌های معاصر برای تنظیم زیرساخت‌های آنلاین، چارچوبی منسجم برای تقویت یک محیط دیجیتالی چندفرهنگی و عاری از تبعیض ایجاد می‌کند.

سازمان‌دهی گروه‌های نظارتی مسئول که به امر نظارت و گزارش دادن داده‌های نامناسب اختصاص یافته‌اند، یکی از جنبه‌های ضروری مبارزه با نژادپرستی سایبری قلمداد می‌شود. سازمان‌های جامعه مدنی، گروه‌های فعال آنلاین و افراد مرتبط باید برای ایجاد شبکه‌ای از ناظران هوشمند همکاری کنند. ایجاد مکانیسم‌های گزارش‌دهی در سکوهاى آنلاین به کاربران این امکان را

می‌دهد که محتوای حاوی نژادپرستی را به سرعت علامت‌گذاری و گزارش کنند. اندازه‌گیری درصد اطمینان اینترکدها به عنوان معیاری برای ارزیابی اثربخشی سیستم‌های گزارش‌دهی عمل می‌کند (Riffe et al., 2014). در نهایت، ایجاد گروه‌های نظارتی مسئول، به یک اقدام پیشگیرانه تبدیل می‌شود که قادر خواهند بود سایر تلاش‌های جمعی برای مقابله با محتوای تبعیض‌آمیز سایبری را تقویت کنند.

جرمانگاری محتوای حاوی نژادپرستی به عنوان مصادیق جرایم سایبری، یک راه قانونی برای پاسخ‌گو نمودن افراد در مقابل اقدامات آنلاین است. چارچوب‌های قانونی باید به گونه‌ای توسعه یا تقویت شود که سخنان نفرت‌پراکنی آنلاین را به صراحت به عنوان جرایم سایبری طبقه‌بندی کند. دولت‌ها، با همکاری کارشناسان حقوقی و سازمان‌های حقوق بشر، باید در جهت ایجاد ابزارهای حقوقی قوی که چالش‌های منحصر به فرد ناشی از نژادپرستی سایبری را برطرف کند، تلاش کنند. راهکار دیگر اتخاذ رویکردی است که پیش‌تر نیوزیلند در پیش گرفته است. در این رویکرد سکوها و زیرساخت‌های شبکه‌های مجازی برای مطالب توهین‌آمیز به اشتراک گذاشته شده در شبکه مجازیشان پاسخگو و قانوناً مسئول هستند. بدین ترتیب، این خود سکوها هستند که موظفند در صورت مشاهده‌ی چنین تخلفاتی از انتشار آن‌ها جلوگیری به عمل آورند. این رویکرد می‌تواند به عنوان الگویی موفق به منظور ترکیب اقدامات قانونی جهت جلوگیری از گسترش ایدئولوژی‌های تبعیض‌آمیز در نظر گرفته شود (Jakubowicz, 2017).

#### بحث و نتیجه‌گیری

در نتیجه، ماهیت فراگیر نژادپرستی سایبری نیازمند رویکردی چندوجهی برای کاهش تأثیر آن بر جوامع در سطح بین‌المللی است. سکوهای رسانه‌های اجتماعی، با پیچیدگی‌های الگوریتمی و اتاق‌های پژواک، به عنوان زمینه‌ای برای نگرش‌های تبعیض‌آمیز عمل می‌کنند. امکان ناشناس بودن آنلاین این موضوع را بیشتر تشدید می‌کند و به افراد اجازه می‌دهد تا بدون پاسخگویی نفرت را تبلیغ کنند. آرمان‌های آزادی بدون محدودیت، که عمیقاً در اقتصاد سیاسی اینترنت ریشه دوانده است، چالش مهار نژادپرستی آنلاین را پیچیده‌تر می‌کند.

همچنین این مقاله تأثیر متقابل و پیچیده تحریکات سیستماتیک و تأثیرات دولت‌ها در شکل دادن به نژادپرستی سایبری را روشن کرده است. تهدیدهای ناشی از این پدیده بر اهمیت حیاتی اقدامات پیشگیرانه به منظور مبارزه و کنترل نژادپرستی در شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند. کشورهایی با ترکیبات نژادی متنوع، مانند ایران، با چالش‌های منحصر به فردی در جلوگیری از تشدید احساسات نژادپرستانه روبرو هستند.

راه حل‌های پیشنهادی به عنوان چراغ‌های امید در این چشم‌انداز پیچیده ظاهر می‌شوند. آموزش و انتشار اطلاعات به عنوان ستون‌های اساسی برجسته می‌شود و افراد را برای تشخیص و رد محتوای تبعیض‌آمیز توانمند می‌سازد. محدودیت‌های اینترنتی و مکانیسم‌های کنترل مؤثر برای مهار گسترش بی‌رویه ایدئولوژی‌های نژادپرستانه ضروری هستند. سازماندهی گروه‌های مسئول و تشویق به گزارش‌دهی محتوای توهین‌آمیز و نامناسب می‌تواند به ایجاد یک جامعه آنلاین هوشیار کمک کند. علاوه بر این، جرمانگاری محتوای حاوی نژادپرستی به عنوان جرایم سایبری، جدیت جوامع را تقویت می‌کند که باید با این موضوع برخورد کنند.

همانطور که ما تعادل ظریف بین آزادی بیان و پیشگیری از آسیب را دنبال می‌کنیم، تلاش‌های مشترک در سطح جهانی ضروری است. با اذعان به شدت نژادپرستی سایبری و پذیرش مداخلات استراتژیک، می‌توانیم در جهت ایجاد یک چشم‌انداز دیجیتالی فراگیرتر و روادارتر تلاش کنیم. مبارزه علیه این جنبش اجتماعی تاریک مستلزم تعهد تزلزل‌ناپذیر به منظور حفظ تفاوت‌های فرهنگی و ارتقای نتایج برابری طلبانه در آموزش و پرورش و در میان تمامی جوامع متمدن است.

- تاجی، حمیدرضا، دیبایی‌صابر، محسن، (۱۴۰۲)، شناسایی مؤلفه‌های آموزش سواد رسانه‌ای و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش، نوآوری های آموزشی، ۷-۳۰
- رضائی‌پناه، امیر، (۱۴۰۲)، نژادپرستی از رهگذر رسانه‌های نوپدید: تاملی در کارکرد نرم اسرائیلی‌ها، مطالعات منطقه ای، ۵۱-۸۳
- شادلو، شیده، روشندل، جلیل، (۲۰۱۸)، نقش عوامل انتزاعی و عینی در پدیده پان‌عریسم در ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تاریخ نامه انقلاب، ۱۶۳-۱۹۰
- صالحی‌یگانه، مهرداد، (۱۴۰۲)، پان‌ترکیسم و اتحاد راهبردی باکو - آنکارا، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۵۵-۷۸
- فلسفی، سیدغلامرضا، (۱۴۰۲)، مهارت تفکیک دوغ و دوشاب؛ تاملی در اهمیت سواد رسانه ای و مصون سازی دانش آموزان در برابر اطلاعات جعلی، رشد معلم، ۴۰-۴۱
- لطفی، سیدمهدی، حیدری، اکرم، (۱۳۹۱)، نژادپرستی یهودیان از دیدگاه قرآن. مطالعات قرآنی، ۹۹-۱۲۱
- مطلبی‌جونقانی، محسن، (۱۳۸۹)، پژاک تاریخیچه اهداف و عملکرد، مریبان، ۸۳-۹۷
- Berners-Lee, T. 2017, 'Tim Berners-Lee: I invented the web. Here are three things we need to change to save it', The Guardian. Available at: <https://www.theguardian.com/technology/2017/mar/11/tim-berners-lee-web-inventor-save-internet> (Accessed 10 November).
- Bleich, Erik (2011). The freedom to be racist? How the United States and Europe struggle to preserve freedom and combat racism. Oxford University Press.
- Cinelli, M., De Francisci Morales, G., Galeazzi, A., Quattrociocchi, W., & Starnini, M. (2021). The echo chamber effect on social media. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 118(9), e2023301118.
- Ekman, Mattias (2019). Anti-immigration and racist discourse in social media. *European Journal of Communication*, 34(6), 606-618.
- Farkas, J., Schou, J., & Neumayer, C. (2018). Platformed antagonism: Racist discourses on fake Muslim Facebook pages. *Critical Discourse Studies*, 15(5), 463-480.
- Feagin, J. R., & Ducey, K. (2018). *Racist America: Roots, current realities, and future reparations*. Routledge.
- Fuchs, Christian (2021). Social media: A critical introduction. *Social Media*, 1-440.
- Jakubowicz, Andrew (2017). Alt\_Right White Lite: trolling, hate speech and cyber racism on social media. *Cosmopolitan Civil Societies: An Interdisciplinary Journal*, 9(3), 41-60.
- Karmila, P., & Budimansyah, D. (2022, January). Digital Racism: A New Form of Racism, A Threat to the Integrity of the Nation. In Annual Civic Education Conference (ACEC 2021) (pp. 296-301). Atlantis Press.
- Klein, Adam (2017). *Fanaticism, racism, and rage online: Corrupting the digital sphere*. Springer.
- Karppf, David (2017). Digital politics after Trump. *Annals of the International Communication Association*, 41(2), 198-207.
- Keum, B. T., & Miller, M. J. (2018). Racism on the Internet: Conceptualization and recommendations for research. *Psychology of violence*, 8(6), 782.
- Larsson N (2018) Ljusdalskvinna döms för hets mot folkgrupp – skrev nedsättande om somalier på Facebook. [Woman from Ljusdal convicted of hate speech – wrote derogatory comments targeting Somalians on Facebook.] *HelaHälsingland*. Available at: <https://www.helahalsingland.se/artikel/ljusdalskvinna-doms-for-hets-mot-folkgrupp-skrev-nedsattande-om-somalier-pa-facebook>
- Nikunen, Kaarina (2018). From irony to solidarity: Affective practice and social media activism. *Studies of Transition States and Societies*, 10(2), 10-21. Riffe, D., Lacy, S.,

- Fico, F., & Watson, B. (2019). *Analyzing media messages: Using quantitative content analysis in research*. Routledge.
- Van Dijk, Teun A. (2000). Media, racism and monitoring. *Media development*, 47(2), 7-10.
- Wahlström, M., & Törnberg, A. (2021). Social media mechanisms for right-wing political violence in the 21st century: Discursive opportunities, group dynamics, and co-ordination. *Terrorism and Political Violence*, 33(4), 766-787.